

تقلب گسترده "انتخاباتی" به تشدید تضاد بین دودسته بندی ارتجاع مزدورانجامیده ونظام استعماری در افغانستان رادچار بحران شدید وعمیقی کرده است

بتاریخ 7 جولای 2014 (16 سرطان 1393) کمیسیون "مستقل" انتخابات نتایج اولیه دور دوم "انتخابات" رئیس دولت پوشالی را اعلان کرد. در این دور تعداد آرای اشرف غنی احمد زی (4485888-56%) و تعداد آرای عبدالله (عبدالله) (3461639-43%) اعلام شد. کمیسیون انتخابات کل تعداد آراء این دور را (8109493) خواند. رئیس این کمیسیون همچنین گفت که از حدود (23) هزار محل رأیگیری آرای حدود (6) هزار محل مشکوک است. در حالیکه ستاد انتخاباتی عبدالله ونماینده ملل متحد در کابل ونماینده اتحادیه اروپا میگویند که در بیش از (7) هزار محل رأیگیری آرای مشکوک وتقلبی در صندوقها وجود دارد. وعلاوتاً ستاد انتخاباتی عبدالله مدعی است که در دور دوم انتخابات در کل بیش از دو میلیون رأی تقلبی به صندوقها وجود دارد؛ زیرا در دور دوم تعداد کمتری از مردم در انتخابات شرکت کرده اند وخبرنگاران وناظرین دیگری نیز گفته اند که در دور دوم تعداد شرکت کنندگان نسبت به دور اول کمتر بوده است. وتیم عبدالله در روزهای گذشته صحنه های مواردی از این تقلبهارابه خبرنگاران نشان داده است که مهمترین آن موضوع انتقال برگه های رأی در روز انتخابات بوسیله (امرخیل) رئیس دارالانشاء کمیسیون "مستقل" انتخابات در محلات معینی بوده است. در دور اول "انتخابات" تعداد آرای عبدالله (2972141-45%) وتعداد آرای اشرف غنی (2084547) (31.6%) اعلام شد. در دور دوم زلمی رسول با (11.4%) آراء، رسول سیاف با (7.3%) آراء وگل آغا شیرزی با (1.6%) آراء با تیم داکتر عبدالله ائتلاف کردند. وهمچنین دائود سلطان زوی با (0.5%) آراء، قطب الدین هلال با (2.7%) وهدایت امیر ارسلان با (0.2%) با تیم اشرف غنی ائتلاف کردند. وبر همین مبنا است که عبدالله میگوید که در دور دوم انتخابات باید آرای بیشتری را کسب میکرد وصحبت از دو میلیون رأی تقلبی در این دور دارد که گویا بنفع رقیبش به صندوقها ریخته شده است.

از آنجاییکه در یک کشور مستعمره که در اشغال نظامی ده ها کشور امپریالیستی وارتجاعی قرار دارد وسیزده سال است که دولت دست نشانده ای متشکل از گروه ها وافراد خاین ومزدور، جنایتکار، قاتل مردم وویرانگران کشور از جمله (گروه های جهادی، ملیشه های مزدور روسی، خلقی پرچمیها، بخشهای از تشکیل طالبان وگروه های وتعدادی از گروه های رویونیستی واپورتونیستی مانند «سازمان رهائی-راوا»، «سازمان انقلابی»، «ساما»، «ساما- ادامه دهندگان» ودیگر گروه ها وعناصر همسنخ آنها) بر مردم حاکم هستند وبرگزاری انتخابات ها یک طرفند امپریالیستی ارتجاعی بیش نیست. وهمچنین اعلام ارقام فوق یک نمایش مسخره به جهت فریب اذهان توده های مردم افغانستان ودر سطح جهان میباشد. زیرا در تمام این مدت ودر هر دور از نمایشات "انتخاباتی" این قدرتهای امپریالیستی بوده اند که تصمیم نهائی را گرفته اند. آنها اند که تصمیم میگیرند که چه قماش عناصر وگروه های باید به پارلمان ومجالس ولایتی راه یابند وکدام مهره ها از مزدوران شان در کابینه جای داشته باشند وکدام مهره در رأس نظام پوشالی قرار گیرد. چنانچه صبغت الله مجددی که جناح اشرف غنی را حمایت میکند قبل از آغاز دور اول "انتخابات" درباره ای سرنوشت انتخابات گفت که: «من درباره انتخابات رئیس دولت "استخاره" کرده ام ودر شرایط کنونی افغانستان به صلاح نیست که داکتر عبدالله برای رسیدن به چوکی ریاست جمهوری رقابت کند». همچنین چگونگی انتخاب اعضای کمیسیون های انتخاباتی ومیکانیزم شمارش آراء وطریقه انتقال صندوقهای رأی در یک مرکز طوری تنظیم شده است که امکان تقلب را برای همه مزدورانی که در این پروسه ها اشتراک میکنند (به تناسب قدرت ونفوذ آنها در دولت مزدور ومحلات شان)، آسان میسازد. چنانکه در دور اول همین انتخابات صدها هزار رأی تقلبی وجود داشت از جمله (هشتاد هزار) آن متعلق به عبدالله بود. در حالیکه دولت مزدور مدعی است که هزاران نفر ناظر وشاهد از طرف کاندید ها وباصطلاح افراد بی طرف گمارده میشوند بعلاوه ناظران خارجی تا

جریان انتخابات را نظارت و مشاهده کنند. همچنین مسئله جریان انتقال صندوقهای رأی از هزاران محل و مرکز رأی گیری به مراکز ولایات و از آنجا به مرکز کابل و شمارش آنها طی دوماه خاصاً در "انتخابات" رئیس دولت پوشالی حساب شده و روی منظور معینی توسط قدرتهای امپریالیستی امریکائی و اروپائی و ارتجاع حاکم مزدورانها طرح و به منصفه اجرا درمی آید و این طرز العمل انتخاباتی بیانگر خواست و هدف قدرتهای امپریالیستی حاکم است. آنچه که دولت دست نشانده توسط ارگانهای مربوطه اش منجمله کمیسیونهای انتخاباتی، والیها و حکام و لسوالیها از تقلب گسترده در انتخاباتها انجام میدهد منظور نظرو هدف بادران امپریالیست شان نیز میباشد. و برخلاف نظر "متفکرین" و قلم بدستان اجبر و مزدور استعمار و امپریالیسم که طی سیزده سال اخیر در وصف شرایط استعماری حاکم بر خلق و کشور و آرایش "دموکراسی" و ارداتی امپریالیستها قلم فرسائی کرده اند؛ عملکرد دموکراسی استعماری در یک کشور نیمه فئودالی و مستعمره با موجودیت روابط و مناسبات طایفه ای و قبیله ای و آنهم در جامعه ای که صاحبان قدرت از صدر تا ذیل از گروه های وطن فروش، خاین، جنایتکار و قاتل مردم افغانستان با اضافه مشتکی تکنوکرات و گروه های اپورتونیست و رویزیونیست خاین، وطن فروش و خود فروخته تشکیل شده است؛ لذا نباید انتظاری بیش از این داشت. دولتی که غرق فساد و رشوه بوده و ستون فقرات اقتصاد آنرا کشت خشکاش و تولید تریاک و هیروئین و وحشیش و قاچاق تشکیل میدهد و همه این فسادها و جنایات امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدورانها علیه خلق و کشور و کشتار و غارتگریهای امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور زیر نام کذائی "مبارزه با تروریسم" و "دموکراسی" و "جامعه مدنی" صورت میگیرد. و سیزده سال است که امپریالیستهای اشغالگر و دولت دست نشانده و دیگر مزدوران و اجیران آنها با تبلیغات دروغین توده های خلق را با سراب "انتخابات" اغوا کرده اند. دموکراسی یک پدیده ای طبقاتی است و این همه خیانتها و تقلبها ناشی از سرشت و خصلت طبقاتی طبقات حاکم ارتجاعی مزدور و امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر است. و در بحران کنونی دولت دست نشانده و گروه های ارتجاعی رقیب آنقدر افتضاح ببار آورده اند که حتی با مراجعه به قوانین پوشالی دولت دست نشانده امکان یافتن راه حل را برای شان مشکل ساخته است. و طی هفته های اخیر با وجود توصیه بادران خارجی شان نتوانسته اند بنوعی مصالحه و سازش دستیابند.

دولت پوشالی قبل از اعلام نتایج اولیه دور دوم "انتخابات"؛ زد خورد بین دو گروه از محصلین پوهنتون کابل را (که بدون شک بوسیله ای عوامل دولت زمینه سازی شده است) بهانه و تمسک قرار داده و پوهنتون های سراسر کشور را الی تاریخ (11) ماه اسد تعطیل اعلام کرد که مردم بوضوح منظور دولت را فهمیدند. فردای اعلام نتایج اولیه دور دوم انتخابات، بتاريخ (8) جولای ستاد انتخاباتی تیم "اصلاحات و همگرایی" گرد همائی تشکیل داده و بار دهم نتایج اولیه انتخابات، عبد الله رارئیس جمهور افغانستان اعلام کرد. همچنین عبد الله اعلام نتایج ابتدائی را "کودتا علیه آرای پاک مردم" خواند و از "مثلث ارگ ریاست جمهوری، کمیسیون انتخابات و تیم انتخاباتی رقیبش (تین تحول و تداوم - اشرف غنی)" یاد کرد که تصمیم گرفته اند نتیجه تقلب به نفع رقیبش را اعلام کنند. در همین روز عطا محمد "نور" والی ولایت بلخ متحد عبد الله گفت که: "ما از همین اکنون حکومت مشروع با زعامت داکتر عبد الله را اعلام میداریم و خود را ملزم به پیروی از آن میدانیم". لیکن عبد الله ظاهراً به طرفدارانش گفت که: "بمن فرصت بدهید، من با اوباما رئیس جمهور و جان کری وزیر خارجه امریکا تلفنی صحبت کرده ام و قرار است که جان کری روز جمعه آینده به افغانستان بیاید و ما را در پیروسه کمک کند و ما تا آن روز منتظر میمانیم و حکومت خود را اعلام نمیکنیم". ولی مطبوعات غربی از قول جان کری وزیر خارجه امریکا گزارش داد که: "هر نوع اقدام در جهت کسب قدرت از طرق فراقانونی قطع حمایت مالی و امنیتی ایالات متحده امریکا و جامعه بین المللی از افغانستان را در قبال دارد". در واقع این خطاری بود که بادران به نوکرش صادر کرد. همچنین "جیمز دابنز" نماینده ویژه امریکا در افغانستان و پاکستان در صورت عدم موفقیت در حل این بحران، نسبت به احتمال تجزیه افغانستان هوشدار داد. اما عملی شدن گفته ای تیم عبد الله مبنی بر رئیس جمهور اعلام کردن عبد الله (بطوریکه جانبی) نوعی "تمرد مزدورانه است. زیرا دولت پوشالی بدون کمک و حمایت همه جانبه مالی، امنیتی، تسلیحاتی و سیاسی امریکا و ناتو امکان دوام ندارد. و عمده ترین رکن این دولت که ارتش و سایر نیروهای امنیتی است بدون کمک

دولت امریکا و ناتو فرومیباشد و بعلاوه اختلافات گروهی، ملیتی و سمتی درون ارتش که توسط جناحهای مختلف از دسته بندیهای ارتجاعی دامن زده می شود، ارتش وکل دولت پوشالی را به شدت تضعیف کرده و زمینه را برای ضربه وارد کردن از جانب گروه های طالبان و حزب اسلامی و حقانی به کمک ارتش و آی اس آی دولت پاکستان مساعد میسازد. در آنصورت انسجام نسبی کنونی دولت دست نشانده از بین رفته و قطب بندی بین گروه های ارتجاعی مربوط به ملیتهای مختلف کشور شکل گرفته و هر جناح آن با حمایت و کمک دولت‌های امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی بر مناطق تحت نفوذ و تسلط شان حکومت خواهند کرد. و در نهایت چیزی شبیه شرایط دوران دولت اسلامی گروه های جهادی ملیشه ای بوجود خواهد آمد که در رأس جناح ارتجاع مربوط به ملیت پشتون، طالبان و در رأس ملیتهای غیر پشتون جناح دیگر ارتجاع عمدتاً "ائتلاف شمال" قرار خواهد گرفت. همه این احتمالات بستگی به خواست و اراده امپریالیسم امریکا و متحدین آن در ناتو دارد که چه نقشه (یا نقشه های) پنهانی (چون در عراق و منطقه شرق میانه) درباره افغانستان و منطقه جنوب و مرکز آسیا دارند. اگر امپریالیسم امریکا نظر داشته باشد که افغانستان را در شرایط فعلی اش حفظ کند، به بحران کنونی خاتمه میدهد و هر دو جناح از مزدورانش خیلی ناتوان تر از آن هستند که بتوانند از قول بادران شان سرپیچی کنند. در غیر آن بحران کنونی بین جناحها و دسته بندیهای ارتجاعی مزدور امپریالیسم و استعمار عمیق تر شده و گسترش خواهد یافت. و امپریالیستهای امریکائی و متحدین آنها در بحران ایجاد شده توسط خود آنها و مزدوران شان نقشه های شوم و غارتگرانه شانرا در افغانستان و منطقه پیاده خواهند کرد.

هر دو جناح این "نزاع انتخاباتی" که اشرف غنی و عبدالله در رأس آنها قرار دارند نمایندگان طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور بوروکرات و مزدوران سرسپرده امپریالیسم بوده و از دشمنان قسم خورده خلقهای ملیتهای مختلف کشور هستند. این نزاع بین دو جناح ارتجاعی مزدور امپریالیسم بر سر کسب قدرت دولتی است و هیچ ربطی به خواستها و اهداف ملی و طبقاتی توده های مردم ملیتهای کشور ندارد. و تشدید تضاد بین آنها بخاطر دستیابی به منافع گروهی شان است ولی آنچه که به توده های خلق افغانستان از ملیتها و اقوام مختلف مربوط می شود باید در برابر ترندها و توطئه های خاینانه امپریالیستهای اشغالگرو ارتجاع نوکران بیدار و هوشیار باشند و بیش از این فریب نیرنگبازیهای آنها را نخورده و وسیله امیال شوم و اهداف خاینانه آنها قرار نگیرند. سیزده سال است که امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور آنها بنام "دموکراسی" و "حقوق بشر" و از طریق بکارگیری یک ماشین عظیم تبلیغاتی که صد ها (ان جی او) نیز در آن فعالیت دارند اذهان توده های مردم را متوهم ساخته و نظام استعماری و دموکراسی اعطائی شان را "مدینه فاضله" جلوه داده و آنها را با بازیهای "انتخاباتی" مشغول و متوهم ساخته و از این طریق نظام استعماری و دولت دست نشانده شانرا "مشروعیت" بخشیده و مزدور جدیدی را بجای مزدور سابق مینشانند. در همه شرایط این وظیفه ای روشن فکران انقلابی مردمی و نیروهای آزادیخواه و میهن دوست کشور است تا ترند ها و توطئه های خاینانه و جنایتکارانه امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور و چهره های گروه های مختلف ارتجاعی و ضد مردمی که در خدمت امپریالیستها و نظام استعماری قرار دارند (خاصاً گروه های ریزیونیستی و اپورتونیستی) «سازمان انقلابی»، «ساما- ادامه دهندگان» و دیگر همپاله های آنها) را برای توده های خلق افشا کرده و در جهت ارتقای سطح آگاهی سیاسی آنها مبارزه کنند. فقط از این طریق است که میتوانیم خلقهای ملیتهای مختلف کشور را برای یک مبارزه انقلابی علیه امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور آنها و سرنگونی نظام فئودال کمپرادوری و قطع کامل سلطه امپریالیسم از کشور بسیج و سازماندهی کنیم. و نجات واقعی خلقهای افغانستان از طریق مبارزه انقلابی رهائیبخش و جنگ انقلابی خلق تحت رهبری یک حزب واقعاً انقلابی پرولتری (م-ل-م) و انقلابیون راستین میسر است.

10 جولای 2014

(پولاد)